

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعیم سلیمی
۳۱ دسمبر ۲۰۱۸



جمهوری مشارکتی یا امارت؟

ایالات متحده از زبان زلمی خلیلزاد نماینده ویژه این کشور برای پایان جنگ افغانستان، اعلام کرده است که واشنگتن در نظر دارد افغانستانی شکل بگیرد که هم با خودش در صلح باشد، هم با همسایه‌هایش و هیچ کشوری به ویژه ایالات متحده از ناحیه آن تهدید نشود. ایالات متحده برای مأموریت تازه زلمی خلیلزاد روایت جالبی هم ساخته است. ایالات متحده می‌گوید که تصمیم گرفته است جنگ در افغانستان به پایان برسد. بر مبنای روایت جدید از آنجایی که پایان جنگ آرزوی مردم افغانستان است، ایالات متحده می‌خواهد که در تلاش‌هایی که هدف از آن پایان جنگ است، متحد مردم افغانستان باشد. مجموع جامعه جهانی به این باور است که پایان جنگ مستلزم آن است که حکومت افغانستان، طالب‌ها و مجموع نیروهای سیاسی افغانستان باهم وارد یک دیالوگ جدی شوند و روی یک نقشه راه صلح‌سازی به توافق برسند تا جامعه جهانی از آن حمایت کند.

در سال ۲۰۰۱ در اجلاس بن هم نیروهای سیاسی افغانستان روی یک نقشه راه برای پایان جنگ و دولت‌سازی توافق کردند. از نقشه راهی که در بن تصویب شد جامعه جهانی حمایت کرد. در آن زمان هم زلمی خلیلزاد و دیگر دیپلمات‌های امریکائی میانجی‌گری کردند تا یک نقشه راه در جلسه بن به تصویب برسد. مسوده‌ای که بعداً شرکت کنندگان جلسه بن آن را تصویب کردند توسط شماری از افغانستان‌شناسان امریکائی و عده‌ای از تکنوکرات‌های امریکائی افغان‌تبار نوشته شده بود. آن مسوده در جلسه بن مورد توافق قرار گرفت. در آن زمان قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های منطقه‌ای از روندی که پس از جلسه بن آغاز شد حمایت کردند. در آن زمان صرف پاکستان دوگانه بازی می‌کرد. استیو کول روزنامه نگار مشهور امریکائی در کتاب تازه‌اش نوشته است که برخی از رهبران طالبان هم پس از اعلام توافقات بن با حامد کرزی که آن زمان در قندهار بود، تماس گرفتند و گفتند که اگر حکومت جدید، آنان را عفو کند، مورد تعقیب قضائی قرار ندهد و اسیران جنگی آنان را پس از مدتی از بند رها سازد، طالبان هم مشروعیت

حکومت جدید را می‌پذیرند. در آن زمان بسیاری از رهبران طالبان از ملامحمد عمر که شخص ایدیولوژیک و طرفدار داعیه القاعده بود بریده بودند و خود او هم این موضوع را درک کرده بود. یکی از رهبران طالبان در کتاب خاطراتش نوشته است که ملامحمد عمر به بسیاری از رهبران طالبان پس از اعلام توافقات بن گفت که هر کسی، هر چه دلش می‌خواهد انجام دهد و او کسی را به دوام جنگ مجبور نمی‌سازد. اما حکومت جورج بوش در آن زمان توافق با طالبان را رد کرد.

توافقات بن موبه مو اجراء شد. انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ و انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ به آرامی گذشت. اما پس از انتخابات پارلمانی ۲۰۰۵ شورش طالبان آغاز یافت. در آن سال طالبان ۲۷ حمله انتحاری انجام دادند. در سال ۲۰۰۶ شمار حمله‌های انتحاری طالبان از صد مورد هم بالا رفت. طالبان شورشی اعلام کردند که مشروعیت روند پس از بن را نمی‌پذیرند. این گروه که در سال ۲۰۰۱ ظاهراً آماده بود، مشروعیت روند پس از بن را قبول کند و دیگر از ملامحمد عمر فرمان نگیرد، پس از سال ۲۰۰۵ مشروعیت روند پس از بن را رد کرد. روشن است که شورش مجدد طالبان به حمایت مستقیم و غیر مستقیم پاکستان آغاز یافت. پاکستان به این نتیجه رسید که امریکا در عراق گرفتار است و با افزایش فشار در افغانستان این کشور را ترک می‌کند. پاکستان نخواست که با یک افغانستان باثبات، طرفدار دمکراسی و کثرت‌گرا همکاری کند.

حال امریکا به مرحله‌ای رسیده است که حاضر است برای ادغام طالبان در جریان اصلی سیاست افغانستان، همه چیز از صفر آغاز شود. ایالات متحده می‌خواهد که طالبان با حکومت و نیروهای سیاسی افغانستان مذاکره کنند و بار دیگر روی نقشه راهی شبیه نقشه راه بن به توافق برسند. این دقیق همان چیزی است که طالبان می‌خواهند. طالبان نه مشروعیت شرعی روند پس از بن را قبول دارند و نه حکومت افغانستان را مشروع می‌دانند. آنان می‌خواهند با نیروهای سیاسی افغانستان روی تشکیل یک اداره موقت که این اداره وظیفه تسوید قانون اساسی نو و نظام جدید را به عهده بگیرد، مذاکره کنند. این موضوع را نماینده گروه طالبان در اجلاس مسکو اعلام کرد و به نظر می‌رسد که ایالات متحده هم با آن مخالف نیست. طالب‌ها شاید فکر می‌کنند که اگر امریکا با آنان به توافق برسد، می‌تواند این توافق را روی همه نیروهای سیاسی و حکومت افغانستان تحمیل کند، اما واقعیت این است که چنین چیزی ممکن نیست. شاید تلاش‌های ایالات متحده در آینده معطوف به این باشد که طالبان را قانع سازد تا با حکومت و نیروهای سیاسی افغانستان روی یک نقشه راه به توافق برسند.

اما پایان جنگ و شکل‌گیری افغانستان مسالمت آمیز و موفق که با همسایه‌ها و جامعه جهانی روابط نیک داشته باشد و هیچ کشوری از آن تهدید نشود، زمانی ممکن است که ما در افغانستان سیاست رقابتی، حکومت مبتنی بر قانون اساسی، تعدد احزاب و انتخابات داشته باشیم. در نبود سیاست رقابتی، دیکتاتوری و انحصار شکل می‌گیرد. روشن است که در دیکتاتوری و انحصار نیروهائی که بیرون از دستگاه قدرت می‌مانند به براندازی می‌اندیشند و این امر ثبات را از بین می‌برد و آرمان یک افغانستان مسالمت آمیز محقق نمی‌شود.

افغانستان تا سال ۱۹۷۹ باخودش در صلح بود. پیش از تحولات سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ نظام سلطنتی افغانستان، مشروعیت سنتی و خاندانی داشت. منازعه قدرت هم محدود به اعضای این خاندان بود و حتا نیروهای سیاسی تازه تشکیل افغانستان سعی می‌کردند هم‌فکران خود را در خاندان سلطنتی پیدا کنند. کودتای داوودخان هم درون خاندانی بود. در منازعه قدرت درون خاندانی مردم عام افغانستان نقش چندانی نداشتند. با آن که پادشاه گردشی‌ها در همه موارد مسالمت آمیز نبود، اما مردم عام درگیر جنگ نمی‌شدند و صلح به هم نمی‌خورد. اما با کودتای هفت ثور معیارهای مشروعیت تغییر کرد و نیروهای سیاسی مختلف تلاش کردند از راه زور قدرت را به دست بیاورند.

اجلاس بن یک نقطه عطف بود. در اجلاس بن یک حکومت مشارکتی، دارای پایه‌های سیاسی وسیع و مبتنی بر مشروعیت انتخاباتی در افغانستان شکل گرفت. قبل از برگزاری جلسه بن سیاست اعلامی بسیاری از کشورها این بود که راه حل در افغانستان شکل‌گیری یک حکومت با پایه‌های وسیع است که در آن همه گروه‌های سیاسی و قومی حضور داشته باشند. حکومت طالبان قبل از سال ۲۰۰۱ غیر مشارکتی، حذفی و تندروانه بود. طالبان در زمان حاکمیت شان مذاکره با مخالفان سیاسی و نظامی شان را رد کردند و خواستند یک حکومت مشارکتی، همه‌شمول و دارای قاعده وسیع سیاسی شکل دهند. روشن نیست که طالبان امروز می‌خواهند که به یک حکومت مشارکتی، همه شمول و دارای مشروعیت انتخاباتی در پایان روندی که به منظور ختم جنگ آغاز می‌شود، تن دهند تا نه؟ سخنگویان رسمی و غیر رسمی طالبان می‌گویند که این گروه دیگر به انحصار باور ندارد. اما روشن نیست که آیا آنان امارت مشارکتی می‌خواهند یا یک جمهوری مشارکتی؟ نماینده ویژه امریکا برای پایان جنگ افغانستان در یک جلسه خبری در کابل گفت که روی این مسایل باید نیروهای سیاسی افغانستان در مذاکرات صلح به توافق برسند. روشن است که هیچ یک از نیروهای سیاسی افغانستان امارت انحصاری یا مشارکتی را نمی‌پذیرند. هیچ یک از نیروهای سیاسی شناخته شده افغانستان حاضر نیستند که به رهبر طالبان به عنوان امیر بیعت کنند. چنین چیزی با واقعیت‌های افغانستان هم سازگار نیست. اگر طالبان به یک جمهوری مشارکتی، کثرت‌گرا و دارای مشروعیت انتخاباتی راضی نشوند، پایان جنگ ممکن نیست.

دیگاه شما در همچو مسأله حیاتی مربوط به هست و بود حال و آینده کشور ما از چه قرار خواهد بود(منتقد).

فردوس - چهارشنبه، ۳۰ عقرب ۱۳۹۷